نگاه

فساد مانع جدی رشد و توسعه اقتصادی ایران

وحید شقاقی‌شهری . اقتصاددان

● در ادبیات جهانی توسعه در دو دهه اخیر مطالعات متعددی درباره اثرات فساد و رانت بر توسعه و رشد انجام شده و نتایج غریب‌به‌اتفاق مطالعات، حکایت از بازدارندگی فساد بر رشد دارد. بنابراین باز به اهمیت موضوع، بحث فساد به نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی نیز کشیده شده و این نهاد نیز مطالعاتی جدی از اثرات فساد و سنجش آن انجام می‌دهد. حتی فساد در زیرمجموعه شاخص حکمرانی خوب کشورها نیز وارد شده و هر کشوری با فساد بالا دارای حکمرانی ضعیف ارزیابی می‌شود. برای اقتصاد ایران شواهد و ادله حکایت از وجود فساد و رانت بالا در فعالیت‌های اقتصادی است. حتی اتاق بازرگانی و بخش خصوصی مهمترین مانع توسعه خود را فساد کشور می‌دانند و معتقدند اولین اقدام برای توسعه بخش خصوصی فساددایی است. متأسفانه اقتصاد دولتی وابسته به نفت و شفاف‌نداشتن اقتصاد ایران، موجب شده فساد و رانت مرتب روند صعودی به خود بگیرد. دولت و اقتصاد رانتی وابسته به نفت نیازی به توسعه بخش خصوصی احساس نکرده و بر فساد درون دولت افزوده است. از طرف دیگر، اقتصاد ایران از نبود شفافیت رنج می‌برد و مبادلات مالی و اقتصادی و ثروت افراد در کشور شفاف نیستند. متأسفانه شفافیت در بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران حاکم نیست. در اقتصاد ایران شفافیت‌نداشتن نظام بانکی و نهادهای مالی موجب شده امکان شفافیت اقتصادی مقدور نباشد. در ضمن ضعف جدی در قوانین بازدارنده رانت‌زایی داریم و هنوز مقوله رانت‌زدایی مغفول است. رانت اطلاعاتی و تمرکزگرایی در اقتصاد ایران موجب شده امکان فساد سهل و آسان شود و سترهای رانت‌زدایی و تمرکززدایی هنوز پیاده نشده است. بنابراین اقتصاد ایران از فساد گسترده و رانت اقتصادی رنج می‌برد و قطعا مبارزه با رانت و فساد نیازمند عزم جدی و سلامت خود مجریان است. تجربه کشورهای درحال‌توسعه نشان می‌دهد، ارتقای شفافیت در نهادهای مالی و دولت الکترونیک و تصویب قوانین بازدارنده رانت، توانسته به‌سرعت وضعیت فساد را سامان دهد. متأسفانه در اقتصاد ایران همچنان مبادلات مالی و پولی رضد نمی‌شود و شفافیت بر فعالیت‌های اقتصادی حاکم نیست. به‌عنوان نمونه، همچنان میزان ثروت افراد مشخص نیست و موجب شده شاهد فرار مالیاتی گسترده و پول‌شویی باشیم. طبیعتا کسترذگی فساد هم موجب شده منافع اقتصاد غیررسمی به‌مراتب بیشتر از اقتصاد رسمی باشد و همین مسئله مانع جدی رشد شتابان اقتصاد ایران است.

دیدگاه

موج فراگیر پتروشیمی: فرصت‌ها و تهدیدها

شاهین زیدآباد . کارشناس انرژی

● سال‌ها از شکل‌گیری دو قطب پتروشیمی کشور در ماهشهر و عسلویه می‌گذرد و این دو منطقه به همراه واحدهای پراکنده در سرزمین با همه نقصان‌ها توانسته‌اند نقش مهمی در ایجاد ارزش در زنجیره تولید نفت و گاز و تأمین درآمدهای ارزی کشور ایفا کنند. صنعت پتروشیمی که به نوعی درآمدهای آن در بخش خصوصی اقتصاد محاسبه می‌شود، همواره به‌عنوان مهمترین بخش صادرات غیرنفتی کشور به حساب می‌آید و از همین رو در بحبوحه تحریم‌ها اصلح محدودیت‌ها علیه ایران قرار گرفت. از این حیث از منظر صادرات و همچنین تأمین تجهیزات و جذب سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای با موانعی مواجه می‌شود. این صنعت در برهه‌های مختلف الگوی توسعه خود را مبنی بر وضعیت تولید منابع بالادستی (نفت و گاز) در کشور به سمت خرات و محصولات مختلف سوق داده است به‌طوری‌که با توسعه منابع کاری کشور و افزایش تولید گاز طبیعی، احداث مجتمع‌های بر مبنای خوراک گاز طبیعی در اولویت سیاست‌گذاران بخش خصوصی قرار گرفت و این صنعت قرار گرفت. سیاستی که تاکنون نیز از اهمیت آن کاسته نشده و البته با توجه به منابع عظیم گاز طبیعی در کشور و اهمیت اجرای آن در آینده و سنجش آن انجام می‌دهد. حتی فساد در زیرمجموعه شاخص حکمرانی خوب کشورها نیز وارد شده و هر کشوری با فساد بالا دارای حکمرانی ضعیف ارزیابی می‌شود. برای اقتصاد ایران شواهد و ادله حکایت از وجود فساد و رانت بالا در فعالیت‌های اقتصادی است. حتی اتاق بازرگانی و بخش خصوصی مهمترین مانع توسعه خود را فساد کشور می‌دانند و معتقدند اولین اقدام برای توسعه بخش خصوصی فساددایی است. متأسفانه اقتصاد دولتی وابسته به نفت و شفافیت‌نداشتن اقتصاد ایران، موجب شده فساد و رانت مرتب روند صعودی به خود بگیرد. دولت و اقتصاد رانتی وابسته به نفت نیازی به توسعه بخش خصوصی احساس نکرده و بر فساد درون دولت افزوده است. از طرف دیگر، اقتصاد ایران از نبود شفافیت رنج می‌برد و مبادلات مالی و اقتصادی و ثروت افراد در کشور شفاف نیستند. متأسفانه شفافیت در بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران حاکم نیست. در اقتصاد ایران شفافیت‌نداشتن نظام بانکی و نهادهای مالی موجب شده امکان شفافیت اقتصادی مقدور نباشد. در ضمن ضعف جدی در قوانین بازدارنده رانت‌زدایی داریم و هنوز مقوله رانت‌زدایی مغفول است. رانت اطلاعاتی و تمرکزگرایی در اقتصاد ایران موجب شده امکان فساد سهل و آسان شود و سترهای رانت‌زدایی و تمرکززدایی هنوز پیاده نشده است. بنابراین اقتصاد ایران از فساد گسترده و رانت اقتصادی رنج می‌برد و قطعا مبارزه با رانت و فساد نیازمند عزم جدی و سلامت خود مجریان است. تجربه کشورهای درحال‌توسعه نشان می‌دهد، ارتقای شفافیت در نهادهای مالی و دولت الکترونیک و تصویب قوانین بازدارنده رانت، توانسته به‌سرعت وضعیت فساد را سامان دهد. متأسفانه در اقتصاد ایران همچنان مبادلات مالی و پولی رضد نمی‌شود و شفافیت بر فعالیت‌های اقتصادی حاکم نیست. به‌عنوان نمونه، همچنان میزان ثروت افراد مشخص نیست و موجب شده شاهد فرار مالیاتی گسترده و پول‌شویی باشیم. طبیعتا کسترذگی فساد هم موجب شده منافع اقتصاد غیررسمی به‌مراتب بیشتر از اقتصاد رسمی باشد و همین مسئله مانع جدی رشد شتابان اقتصاد ایران است.

اقتصاد

روایت نایب‌رئیس کمیسیون رقابت‌پذیری، خصوصی‌سازی و سلامت اداری اتاق ایران در گفت‌وگو با «شرق» از موانع رقابت‌پذیری در کشور

دولت با اجبار فقر، کوچک می‌شود

ورشکستگی اولین بانک یعنی حرکت به سوی توسعه

شکوفه حبیب‌زاده: چنبره فساد در اقتصاد ایران، ریشه‌ای تاریخی دارد؛ دولت قبلا بودن داشت و با آن پول، کارها را به بخش خصوصی می‌سپرد و در همه کارآن دخالت می‌کرد. حالا دولت بی‌پول شده، اما فیگورش را حفظ کرده است. همین حضور دولت در همه بخش‌ها و نگاه خودی به شبه‌دولتی‌ها و ناخودی به همین خصوصی، گسترش فساد و رانت را به دنبال داشت. آن‌گونه که همین بخش خصوصی هم برای راه‌افتادن کارهایش، رشوه‌دهنده شد و از رانت و زدوبند بهره برد. شاید بهترین راه برای جلوگیری از این نزدیکی‌بودن دولت، خصوصی‌سازی و کاهش حجم دولت باشد. این راهکاری است که سال‌ها از سوی مسئولان دنبال شد، اما جرا به مرور زمان دولت‌ها نه‌تنها کوچک نشدند، بلکه هرروز بزرگ‌تر از قبل به کار خود ادامه دادند؟ فرشید شکرخدایی، رئیس کارگروه رقابت و نایب‌رئیس کمیسیون رقابت‌پذیری، خصوصی‌سازی و سلامت اداری اتاق ایران، با چرایی روایتی در گفت‌وگو با «شرق» که کار را می‌گوید، به گفته او؛ «خصوصی‌سازی به این معناست که بنگاه در ابتدا از دولت رهاسازی و سپس وارد بورسه واگذاری شود». آن زمان است که دولتی‌ها و شبه‌دولتی‌ها به‌واسطه منافع، دنبال بنگاه نمی‌روند. اما می‌بینیم با وجودی‌که عقلای کشور این موضوع را می‌دانستند به‌واسطه تضاد منافع و نفوذ ذی‌نفعان، همچنان هم، سازمان خصوصی‌سازی را زیرمجموعه‌ای از دولت تعریف کردند تا بتوان این واگذاری‌ها را هم خیالی راحت به نزدیکان سوید. به گفته شکرخدایی، قفیلرترشدن دولت را باید به فلا نیک گرفت، چون دولت را وادار به کوچک‌شدن می‌کند. او همچنین معتقد است با سودده‌بودن بودجه عمرانی به نزدیک صفر می‌رسد، کل پول نفت و مالیات و عوارض که از مردم می‌گیریم، حقوق کارکنان دولت و یارانه‌ها و شبه و چیزی باقی نمی‌ماند. بودجه عمرانی محقق نمی‌شود. بنابراین مالیات می‌گیرند. نکته مهم‌تر این است که پس از خصوصی‌سازی و یارانه‌ها را بدهند. سؤال من از این است که پس این سه، چهار میلیون نفر را برای چه کاری نیاز داریم؟ اگر قرار است نفت بفروشیم و پول بازنشستگان و یارانه‌ها را بدهیم و هیچ کاری هم نکنیم، این چندمیلیون نیز بیکار هستند که دولت حقوقشان را بگیرند؛ چون کاری برای انجام نیست. قرار نیست طرح و توسعه‌ای انجام شود. همه واحدهای نیمه‌کاره را هم قرار است به بخش خصوصی واگذار کنیم. جالش ما این است که زمانی پیلدار بودیم، پول می‌دادیم بخش خصوصی برای ما کار می‌کرد. اکنون دولت پول ندارد؛ اما فیگور سر جایش است. می‌گوییم ما پول نداریم مبدان نفتی را توسعه دهیم، چون پول بیاور مبدان نفتی را توسعه بده؛ اما کارفرما من هستم. حق ساختار دولت صرف حقوق مجوز و کسب درآمد خصوصی برای کارکنان دولت می‌شود. وقتی هیچ کار عمرانی نداریم، پولی برای انجام این کارها ندارید و دور هم در ساختمانی که پول نداریم توهم دارید؟ مردم هستم. جمع شده‌ایم، حقوقمان را بدهید؛ اما هیچ کاری نداریم. حال باید برای خودمان مأموریت و وظیفه بتراشیم. به‌هرحال باید بودجه و مأموریت کارمندان دولت مشخص باشد. باید یکپوینم فلان مجوز را می‌دهیم یا فلان طرح را بررسی می‌کنیم. این اقدامات به ما هویت شغلی می‌دهد. نمی‌گویم همیشه هم فساد است. حداقل شانی است و کلاس دارد که همه بیایند از ما اجازه بگیرند. مثل کدخدایی است که شما رئیس آن مجموعه نباشید. وقتی کدخدایی که پول هم ندارد؛ اما می‌گوید همچکس حق ندارد در این ده کاری کند. مگر اینکه من اجازه دهم. وقتی دولت پول می‌داده، حق داشته دستور؛ اما اکنون دولتم توده دارد؛ پول ندارد؛ اما می‌گوید شما مسئولید و می‌خواهید کارخانه چاقوسازی در فلان مکان کشور بسازید، باید از من اجازه بگیرید. پول و زمین و امکانات و تخفیف نمی‌دهم؛ اما باید از من اجازه بگیرید. روزنامه می‌خواهید داشته باشید. باید از دولت اجازه بگیرید. فکر کرده‌اید چرا؟ چرا جای خبرنگارهایتان باید مجوز داشته باشید؟ چرا برای انجام هر کاری باید اجازه بگیریم؟ این همان منطق کدخداست که می‌گوید کدخدا هستم. شما رعیت‌هایی هستید که روی زمین‌های من کار می‌کنید. این همان فرهنگ قبیله‌ای است. این همان فرهنگ کدخدایی است که می‌گوید روی زمین من بیل می‌زنید و برای هر کاری باید از من اجازه بگیرید. محل دفترتان را می‌خواهید عوض کنید، باید اجازه بگیرید. چون کدخدا پول ندارد؛ اما زورش سر جایش است و قانون هم از کدخدا حمایت می‌کند. ما هم عادت کرده‌ایم. بالاخره کشورمان سه هزار سال کدخدایی اداره شده و فقط ضد سال است تلاش می‌کنیم به دموکراسی برسیم. ما منطق غیرمنطقی دیگری نیز داریم؛ «هر اتفاقی می‌افتد، می‌گوییم دولت باید نظارت کند». کاغذ مرگ فرمان می‌شود. مردم می‌گویند دولت باید نظارت کند. کاغذ کران می‌شود. مدیرمسئول روزنامه می‌گوید دولت باید بر قیمت کاغذ نظارت کند. یک روز روزنامه مجبور می‌کوچک‌شدن دولت، وقتی کاغذ گران شود، نمی‌گوید دولت باید از صنعت چاپ حمایت کند و نظارت بیشتری داشته باشد. ابتدای اسمال روی همین کلیدواژه مصاحبه کردم و گفتم عادت کنیم بگوییم دولت باید در قیمت‌ها دخالت کند، دولت نباید نظارت کند. دولت باید مجوز بدهد. دولت نباید در همه امور دخالت کند. دولت نباید، بسیار مفیدتر از دولت باید خواهد بود. وقتی قرار باشد دولت همه کار بکند، بزرگ می‌شود. نمی‌تواند این کارها را بکند و فقط می‌گوید برای هر کاری باید از من اجازه بگیرید. فرض کنید درباره رنه‌بندی لامپ‌های کشور می‌خواهیم صحبت کنیم. چقدر باید از سازمان انرژی اجازه بگیریم؛ چرا؟ من می‌خواهم کار خوبی برای کشورم انجام دهم. چرا باید اجازه بگیرم؟ سؤال من این است آیا با گرفتن این اجازه، اگر اشتباهی صورت بگیرد دولت پاسخگو خواهد بود؟ خیر. فرض کنید شما می‌خواهید محصولی تولید کنید. از دولت صنایع و استاندارد مجوز می‌گیرد. حال شد مصدرصد تقلبی بود. شواهد نشان می‌دهد دولت حافظ منافع بنگاه‌های اقتصادی خودش است، نه منافع ملت. چون اگر حافظ منافع ملت بود تعرفه خودرو را سالی ۳۰درصد کاهش می‌داد. اما حافظ منافع ایران‌خودرو و سایپاست که از آن تعرفه نفع می‌برد. شفاف است که دولت حافظ منافع خودش به‌عنوان دولت بزرگ است و شهروندی و کارخانه کاشی درست کیم. این کارخانه‌ها آب نیاز دارند. چرا این تصمیمات گرفته می‌شود؟ چون آن لحظه احساس می‌کنیم که می‌خواهیم توسعه‌یافتگی ایجاد کنیم. البته می‌پذیریم که اگر سطح رفاه و توسعه بالاتر باشد توجیه دارد که زیرساخت‌ها را فراهم کنیم. وقتی هم این‌طور بود که اول شهرها ساخته شد و بعد گفتند آب مورد نیاز را فراهم می‌کنیم. این را می‌پذیریم، اما وقتی کشوری به این بزرگی دارید که در همه جای آن می‌توانید این کار را انجام دهید. باید آمایش سرزمین را جدی بگیرید. اینها چالش‌های رقابت‌پذیری است. چالش‌های ما همین دولتی‌بودن است.

مثلا کسی که استاندار یزد است، می‌خواهد یزد را توسعه دهد. آیا در توسعه یزد جواسش به توسعه متوازن همه کشور است؟ شاید نباشد. یا اینکه تصور می‌کنیم وقتی وارد مجلس می‌شویم، باید ملی فکر کنیم؟ اما این کار را نمی‌کنیم.

جالب است دولت نه‌تنها کوچک نمی‌شود؛ بلکه حتی برای استخدام‌های جدید هم رد پای قدیمی‌ها را می‌بینیم و برای جذب نیروهای جوان کاری صورت نمی‌گیرد!

دقیقا. مورد بعدی کارکنان بازنشسته دولت و قاعدتا جای است. در خیلی از کشورهای دنیا شما پنج تا ۱۰ سال بعد از بازنشستگی، نمی‌توانید در شرکت‌های وابسته به دولت کار کنید. ما هم در گذشته ما افراد یکی، دو سال قبل از بازنشستگی، کسبوکار بعدی‌شان را سامانه‌دهی می‌کنند. من در وزارت مسکن شاغل هستم. دو سال قبل از بازنشستگی شرکت پیمانکارها را راه می‌اندازم و بعد از بازنشستگی در مناقصه شرکت می‌کنم. تمام شرکت‌های بزرگ پیمانکاران نفتی، بازنشستگان وزارت نفت هستند. یک حلقه است. دولتی‌ها هم در زمان کار و هم در زمان بازنشستگی، فقط به هم نان قرض می‌دهند و بخش خصوصی است که بازنشستگان را می‌گیرد. کارکنان وزارت نفت که بازنشسته شده‌اند، بروژه‌های نفتی را از نسل بعدی تحویل می‌گیرند و این بروسه همه فرار مالی می‌شود. در این بازی بخش خصوصی کجاست؟ این مشکل با یک قانون ساده در مجلس حل می‌شود که جدا سال بعد از بازنشستگی حق کار در عرصه دولتی را نداشته باشند. منافع خود در دولت باید به‌شدت کاهش پیدا کنند. اگر مجوزها را کم کنید پیدا قانونی بگذارید که بعد از بازنشستگی از چند سال نتوانند در عرصه دولتی کار کنند. چابک‌تر حضور در دولت کم می‌شود؛ یا در مسئله‌ای دیگر، وقتی مقام مسئولی می‌گوید من در مقام قدرت دولت خواهم رفت، چرا رسانه‌ها، مردم و قوه قضائیه نمی‌پرسند شما جزء مالیات دارید؟ اگر

آقای جهانگیری جمله معروفی در هنگام دولت بهار دارد؛ دولت مثل یک بیرگرسنه است که کباب دارد و چون حیلی گرسنه است. کباب به دست ملت می‌رسد. آقای جهانگیری آقا به معاون اول اکنون قرار بیرگرسنه را به گربه تبدیل نمی‌کند که چیزی هم به ملت برسد؟

دولتی‌ها هم در زمان کار و هم در زمان بازنشستگی، فقط به معاش دولتی هم دست می‌دهند و بخش خصوصی اینجا خالی می‌شود

جالب است بخش دیگری از تضادها به گونه دیگری است و انحصار طبیعی را بایصال می‌کند. انحصار طبیعی چگونه بـه وجود می‌آید؟ یک نفر نواوری می‌کند، می‌گوییم چرا باید این تیما باشد؟ این چه انحصاری است؟ انحصار طبیعی را بـد می‌انیم. یعنی ساختار دولت جلوی نـوآوری را می‌گیرد. درحالی‌که نواوری داشتا انحصار ایجاد می‌کنـد. چون از نواوری حمایتی نمی‌کنیم چه اتفاقی می‌افتد؟ شما یک ایده بدهید که تو و موفق باشـد، فردا صـد نفر آن ایده را تکـرار می‌کنند. هیچ حمایتی هم نیسـت. جاهایی که باید از انحصار طبیعی که حاصل نـوآوری اسـت حمایت کنیم، می‌گوییم باید رقابت باشد. جایی‌که باید رقابت باشـد، می‌گوییم ما هم باید باشیم؛ اینها چالش‌های بزرگ کشـور اسـت. اصل ۴۴ قانون اساسـی، موضوع رکولوتوراها را مشـخص می‌کنـد. مثلا تنظیم زنجیره ارزش چگونه باشـد که بیشـترین منافعش برای مـردم کشـور باشـد. دولتی‌ها جدیدا به رکولوتوری علاقه‌مند شده‌اند. من الان کدخدا هستم و پول ندارم و زور هم می‌گویم. حالا زور خـودم را در قالب رکولاتور می‌برم. وقتی شـرکت‌های پتروشـیمی مال خودتان اسـت، دولت چطور می‌توانـد قیمـت خـوراک را تعیین کند؟ وقتی دولت سـهام‌دار ایران‌خودرو و سایپاسـت، معلوم اسـت که تعرفه وارداتـ خودرو صـدرصد خوبـ بود. شواهد نشان می‌دهد دولت حافظ منافع بنگاه‌های اقتصادی خودش اسـت، نه منافع ملت. چون اگر حافظ منافع ملت بود تعرفه خودرو را سـالی ۳۰درصد کاهش می‌داد. اما حافظ منافع ایران‌خودرو و سایپاسـت بود. این کار انجام نمی‌شود. شفاف است که دولت حافظ منافع خودش به‌عنوان دولت بزرگ است. آقای جهانگیری در زمان دولت بهار جمله معروفی دارد که به رواری از دوسـت نزدیکی شنیدم. می‌گفتند دولت مثل یک بیرگرسـنه اسـت، که کبابی دارد و چون خیلی گرسنه اسـت کباب به دسـت ملت نمی‌رسـد. آقای جهانگیری پیش از آنکه معاون اول شـود، درباره دولت این اعتقاد را داشـت؛ بیرگرسـنه‌ای که کبابی زده. حالا جرا بیرگرسنه را به گربه تبدیل نمی‌کند که چیزی هم به ملت برسد؟

عکس: روزنامه رسمی/شرق

بنگاه‌ها قبل از واگذاری از دولت به بخش خصوصی باید رهاسازی شوند. در غیر این صورت، همان کسانی که به دولت وابسته هستند، چشمشان به آن بنگاه خواهد بود

معاون حقوقی رئیس‌جمهور، چندی پیش از تهیه و تدوین لایحه مدیریت «تعارض منافع» خبرداد. در صورت تصویب، جوابگوی زیادی خواهیم داشت. زیرا پشت هر تصویر، دلایل اقتصادی است

نیسـت که عقلای قوم در زمـان خودش نمی‌دانسـتند چگونه باید خصوصی‌سازی کننـد. اینجا باز هم موضوع سلامت اداری پیش می‌آید؛ اصل عدم تضاد منافع. نمی‌شـود من یک شـرکت پتروشـیمی داشـته باشـم، در سـتاد تعیین قیمت خوراک گاز پتروشـیمی هم عضو باشـم. من حتما مطلع بنگاهم را در نظر می‌گیرم. ایرادی هم بر من وارد نیسـت. نمی‌توانم نانوا باشم در کمیته سـتاد قیمت‌گذاری آرد هم حضور داشته باشم. نمی‌شود خودم روزانه داشـته باشـم در کمیته رنه‌بندی روزنامه‌ها هم باشم. آقای مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس‌جمهور، چندی پیش از تهیـه و تدوین لایحه مدیریت «تعارض منافع» خبر داده بـود. این قانون در همه جای دنیا انجام می‌شـود و قرار اسـت در کشـور ما هم مصوب شـود کـه در بحث اجـرای آن، قطعا چالش‌هـای زیادی خواهیم داشـت. زیرا تقریبـا همه بخش‌ها در ایـران در هم سـهم دارنـد. در صورت تصویـب این لایحه، چالش‌های سیاسـی، اجتماعی و فرهنگی خواهیم داشـت، زیرا پشت همه این حضورها، دلایل اقتصادی است.

حضور این نهادهای غیر اقتصادی همواره سـبب دوری بخش خصوصی از حضور در اقتصاد شده است. چرا دولت قابل‌حل است؟

یکـی از چالش‌های ما این اسـت کـه نهادهـا وارد اقتصاد می‌شوند، باعث کنارفتن بخش خصوصی می‌شوند. هیچ بخش خصوصی‌ای حاضر نیسـت با این شرایط رقابت کند چون اگر به مشـکل برخورد به کجا شـکایت خواهد کرد؟ اینها چالش‌های اصلی اسـت. این اقدامات در نهایت به نفع رقابت کشور نخواهد بود و به اهداف ۱۴۰۴ آسـیب خواهد زد. اکـر بپذیریم همه قوه عاقله کشـور حول محور اولشـدن ایران در منطقه کار می‌کنند. سـاختن یک پل کمکی به اولشـدن در منطقه نمی‌کند و حتی منافع اولشـدن ایران در منطقه خواهد شـد. کسانی که به خاطر دلسـوزی تصور می‌کنند با سازندگی کشور به اهداف ۱۴۰۴ کمک می‌کنند به‌شـدت در اشـتباه هسـتند. واقعیت این اسـت که پل، جاده و نیروگاه می‌سـازند تا سـازندگی کرده و به اقتصاد کمک کنند اما تصورشان از این کار اشتباه است. فقط با اقتصاد مردمی و مردم‌محور اسـت کـه این اتفـاق می‌افتد. با سـاختن جاده، اقتصاد برتر منطقه شـکست‌خورده است. اتفاقا همه جاده‌سـازان بخش خصوصی ترجیح می‌دهند کارگاهشـان را تعطیل کردند و در خارج از کشـور کاری راه بیندازند چون می‌گویند تونل و انرژی و انگیزه رقابت نداریم. همین الان تعـداد زیادی تنها عمومی غیردولتی با نام‌های خصولتـی داریم که طبق بـرآورد مرکز پژوهش‌های مجلس، بین ۱۲ تا ۱۵هزار شـرکت اسـت و بنا به قانون مصوب مجلسـ، مصوب شـورای نگهبـان، مصوب مجمع تشـخیص مصلحـت نظام، قـرار بود صورت‌هـای مالی حسابرسـی‌شـده خودشـان را در سـایت کدال منتشـر کننـد. اما آخریـن اخبار نشـان از ثبت صورت‌های مالی فقط ۲۰۰ تا ۳۰۰ شـرکت است. اختیارات هم به بورس داده شـده که حساب‌های بانکی آنهایی کـه صورت‌های مالی‌شـان را ارائه نداده‌انـد را ببندد. آیا بورس ایران توان چنین کاری را دارد؟ آیا اسـامی شـرکت‌ها منتشـر نیسـت؟ قطعا هست. این پدیرفته نیسـت که اسامی این شرکت‌ها منتشـر نباشـد. آیا نافرمانی این خصولتی‌هـا، به ۱۴۰۴ کمک می‌کند؟ شاهد هستیم حتی یک شرکت نیست که به قانون گردن نگذاشته. حسـاب بانکی‌اش بسته یا نامش در بورس فاش شده باشد. حالا آنکه در جلسـه‌ای با حضور مسئولان بازار سرمایه، این مسئولان از اتاق خواسـته‌اند تا این فهرسـت را در اختیارشـان قرار دهد. درحالی‌که این خواسـته غیرحرف‌ای اسـت، زیرا بورس موظف به تهیه این فهرست است.

بخـش خصوصـی در قـدم اول مـی‌خواهـد بیشـتر قسـمت شـبه‌دولتی کیسـت. برآورد اولیه مجلس، حدود ۱۹ هزار شرکت در این قالب می‌گنجاند. در برآورد دوم گفته شد ۱۲ تا ۱۵هزار شرکت خصوتی داریم. اگر اطلاعات اقتصادی‌شان افشا شود، می‌توانید ارزش افزوده این شـرکت‌ها را با هم جمع زده و تقسیم بر تولید ناخالـص داخلی کنید و ببینید چند درصد از اقتصاد ایران را در بر می‌گیرنـد. روایت‌ها در این زمینه متفاوت اسـت و کسـی اطلاع دقیق ندارد. درباره خیلی از بخش‌ها اصلا اطلاعات نداریم.

برآوردی هم دارید؟

خیـر. چون ما فقـط ۱۰ درصد مطلع حسـابم و ۹۰ درصد، قسمت پنهان این کوه یخ اسـت. یکی از خروجی‌ها شفاف‌شدن اطلاعات در سایت کدال اسـت که اصلا بفهمیم چند شرکت در این قالب دارید. باید مشـخص شـود کدام‌یک از این شـرکت‌ها به بخش خصوصی اسـیب می‌زنند و کدام‌یـک کمک می‌کنند. همیشـه مقاومت وجود دارد. زیرا در سـایت کـدال تقریبا همه اطلاعات افشا می‌شود. از حقوق و دستمزد گرفته تا سود شرکت؛ همه جزئیات افشا می‌شـود. اگر اینها نهاد عمومی یا غیردولتی هسـتند پس متعلق به همه مـردم ایران هسـتند. حتی اگـر به‌صورت شـرکتی اداره می‌شـوند. اینهـا همه چالش‌ها و قسـمت پنهان اقتصاد ایران است.

درحال‌حاضر هیچ سهم‌بندی‌ای نمی‌توان ارائه داد؟

خیـر. روایت این اسـت کـه ۲۰ درصد بخش خصوصـی و ۸۰ درصد بخش دولتی اسـت و من می‌گویم هر دو اشـتباه اسـت. قسـمت دولتی جاهای پنهان زیـادی دارد. در خصوصی‌هـا هم کم‌حسـابی زیـاد دارد. ایرادی می‌گویند بورس بیشـتر پنهان زیـادی دارد. کسـه وقتی در دوبی و عمان و جای فعالیت می‌کند. آن کشـورها پیشـرفت نیسـت. پس حتما بحث بین‌المللی به حیلی توانمند است و پول و سرمایه دارد، اما در حساب و کتاب‌ها، طول فرهنگ تـوام‌اند. آیا بورس ایران توان این را دارد؟ آیا اسـامی شـرکت‌ها منتشـر نیسـت؟ قطعا هست. این پدیرفته نیسـت که اسامی این شرکت‌ها منتشـر نباشـد. آیا نافرمانی این خصولتی‌هـا، به ۱۴۰۴ کمک می‌کند؟ شاهد هستیم حتی یک شرکت نیست که به قانون گردن نگذاشته. حسـاب بانکی‌اش بسته یا نامش در بورس فاش شده باشد. حالا آنکه در جلسـه‌ای با حضور مسئولان بازار سرمایه، این مسئولان از اتاق خواسـته‌اند تا این فهرسـت را در اختیارشـان قرار دهد. درحالی‌که این خواسـته غیرحرف‌ای اسـت، زیرا بورس موظف به تهیه این فهرست است.

بخـش خصوصـی در قـدم اول مـی‌خواهـد بیشـتر قسـمت شـبه‌دولتی کیسـت. برآورد اولیه مجلس، حدود ۱۹ هزار شرکت در این قالب می‌گنجاند. در برآورد دوم گفته شد ۱۲ تا ۱۵هزار شرکت خصوتی داریم. اگر اطلاعات اقتصادی‌شان افشا شود، می‌توانید ارزش افزوده این شـرکت‌ها را با هم جمع زده و تقسیم بر تولید ناخالـص داخلی کنید و ببینید چند درصد از اقتصاد ایران را در بر می‌گیرنـد. روایت‌ها در این زمینه متفاوت اسـت و کسـی اطلاع دقیق ندارد. درباره خیلی از بخش‌ها اصلا اطلاعات نداریم.

برآوردی هم ندارید؟

خیـر. چون ما فقـط ۱۰ درصد مطلع حسـابم و ۹۰ درصد، قسمت پنهان این کوه یخ اسـت. یکی از خروجی‌ها شفاف‌شدن اطلاعات در سایت کدال اسـت که اصلا بفهمیم چند شرکت در این قالب دارید. باید مشـخص شـود کدام‌یک از این شـرکت‌ها به بخش خصوصی اسـیب می‌زنند و کدام‌یـک کمک می‌کنند. همیشـه مقاومت وجود دارد. زیرا در سـایت کـدال تقریبا همه اطلاعات افشا می‌شود. از حقوق و دستمزد گرفته تا سود شرکت؛ همه جزئیات افشا می‌شـود. اگر اینها نهاد عمومی یا غیردولتی هسـتند پس متعلق به همه مـردم ایران هسـتند. حتی اگـر به‌صورت شـرکتی اداره می‌شـوند. اینهـا همه چالش‌ها و قسـمت پنهان اقتصاد ایران است.

درحال‌حاضر هیچ سهم‌بندی‌ای نمی‌توان ارائه داد؟

خیـر. روایت این اسـت کـه ۲۰ درصد بخش خصوصـی و ۸۰ درصد بخش دولتی اسـت و من می‌گویم هر دو اشـتباه اسـت. قسـمت دولتی جاهای پنهان زیـادی دارد. در خصوصی‌هـا هم کم‌حسـابی زیـاد دارد. دو فضای مه‌آلـودی دارند. مثلا من می‌دانم بخش خصوصی ایرانی این‌قدر توتمند است که کـه وقتی در دوبی و عمان و جای فعالیت می‌کند. آن کشـورها پیشـرفت نیسـت. پس حتما بحث بین‌المللی و حیلی توانمند است و پول و سرمایه دارد، اما در حساب و کتاب‌ها، طول فرهنگ توام‌اند. آیا بورس ایران توان این را دارد؟ آیا اسـامی شـرکت‌ها منتشـر نیسـت؟ قطعا هست. این پدیرفته نیسـت که اسامی این شرکت‌ها منتشـر نباشـد. آیا نافرمانی این خصولتی‌هـا، به ۱۴۰۴ کمک می‌کند؟ شاهد هستیم حتی یک شرکت نیست که به قانون گردن نگذاشته. حسـاب بانکی‌اش بسته یا نامش در بورس فاش شده باشد. حالا آنکه در جلسـه‌ای با حضور مسئولان بازار سرمایه، این مسئولان از اتاق خواسـته‌اند تا این فهرسـت را در اختیارشـان قرار دهد. درحالی‌که این خواسـته غیرحرف‌ای اسـت، زیرا بورس موظف به تهیه این فهرست است.

حضور این نهادهای غیر اقتصادی همواره سـبب دوری بخش خصوصی از حضور در اقتصاد شده است. چرا دولت قابل‌حل است؟

یکـی از چالش‌های ما این اسـت کـه نهادهـا وارد اقتصاد می‌شوند، باعث کنارفتن بخش خصوصی می‌شوند. هیچ بخش خصوصی‌ای حاضر نیسـت با این شرایط رقابت کند چون اگر به مشـکل برخورد به کجا شـکایت خواهد کرد؟ اینها چالش‌های اصلی است. این اقدامات در نهایت به نفع رقابت کشور نخواهد بود و به اهداف ۱۴۰۴ آسـیب خواهد زد. اکـر بپذیریم همه قوه عاقله کشـور حول محور اولشـدن ایران در منطقه کار می‌کنند. سـاختن یک پل کمکی به اولشـدن در منطقه نمی‌کند و حتی منافع اولشـدن ایران در منطقه خواهد شـد. کسانی که به خاطر دلسـوزی تصور می‌کنند با سازندگی کشور به اهداف ۱۴۰۴ کمک می‌کنند به‌شـدت در اشـتباه هسـتند. واقعیت این اسـت که پل، جاده و نیروگاه می‌سـازند تا سـازندگی کرده و به اقتصاد کمک کنند اما تصورشان از این کار اشتباه است. فقط با اقتصاد مردمی و مردم‌محور اسـت کـه این اتفـاق می‌افتد. با سـاختن جاده، اقتصاد برتر منطقه شـکست‌خورده است. اتفاقا همه جاده‌سـازان بخش خصوصی ترجیح می‌دهند کارگاهشـان را تعطیل کردند و در خارج از کشـور کاری راه بیندازند چون می‌گویند تونل و انرژی و انگیزه رقابت نداریم. همین الان تعـداد زیادی تنها عمومی غیردولتی با نام‌های خصولتـی داریم که طبق بـرآورد مرکز پژوهش‌های مجلس، بین ۱۲ تا ۱۵هزار شـرکت اسـت و بنا به قانون مصوب مجلسـ، مصوب شـورای نگهبـان، مصوب مجمع تشـخیص مصلحـت نظام، قـرار بود صورت‌هـای مالی حسابرسـی‌شـده خودشـان را در سـایت کدال منتشـر کننـد. اما آخریـن اخبار نشـان از ثبت صورت‌های مالی فقط ۲۰۰ تا ۳۰۰ شـرکت است. اختیارات هم به بورس داده شـده که حساب‌های بانکی آنهایی کـه صورت‌های مالی‌شـان را ارائه نداده‌انـد را ببندد. آیا بورس ایران توان چنین کاری را دارد؟ آیا اسـامی شـرکت‌ها منتشـر نیسـت؟ قطعا هست. این پدیرفته نیسـت که اسامی این شرکت‌ها منتشـر نباشـد. آیا نافرمانی این خصولتی‌هـا، به ۱۴۰۴ کمک می‌کند؟ شاهد هستیم حتی یک شرکت نیست که به قانون گردن نگذاشته. حسـاب بانکی‌اش بسته یا نامش در بورس فاش شده باشد. حالا آنکه در جلسـه‌ای با حضور مسئولان بازار سرمایه، این مسئولان از اتاق خواسـته‌اند تا این فهرسـت را در اختیارشـان قرار دهد. درحالی‌که این خواسـته غیرحرف‌ای اسـت